

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زمین پر نیک نوا



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگ و اجتماع



پرتال فرهنگ و سخاوت  
BASEKHOON.NET  
معاونت فرهنگ و اجتماع - سازمان اوقاف و امور خیریه

تہیہ، تنظیم و نشر: پرتال فرهنگ و سخاوت (وابستہ بہ معاونت فرهنگ، اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه)  
نویسنده: علی محمد صالح | ویراستار: مہدی مہدی مہدی | صفحہ آرایہ: مختار شفق  
قیمت: ۲۵۰۰ تومان | نوبت چاپ: اول / بہار ۱۳۹۷ | شمارگان: ۳۰۰۰ نسخہ  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وابستہ بہ سازمان اوقاف  
نشان: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جناب امامزادہ سید علی (علیہ السلام)، مجتمع فرهنگ اوقاف، پرتال فرهنگ و سخاوت  
سایت راسخون: www.rasekhood.net | تلفن: ۰۲۵- ۳۸ ۱۸ ۷۱ ۷۴

# زندگی بزرگ خدا



ما ر ه ف ت خ ط  
تأملی در روحیه اشراقی گری مردمان



[ مقدمه ]

از جمله رفتارهای ناپسند در جامعه اسلامی، پدیده ناپهنجار تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری است. اشرافیت و تجمل‌گرایی، یکی از مواردی است که آسیب‌های گسترده و پیامدهای زیانباری را بر اقتصاد سالم خانواده و جامعه برجای می‌گذارد و از مصادیق اتراف، تذبذیر، اسراف و مانند آن به شمار می‌آید؛ به همین دلیل، در قرآن کریم و در دین مبین اسلام، تجمل‌گرایی به شدت نهی شده است. در فرهنگ و ادبیات قرآنی، اشراف با عنوان «مترفین» معرفی شده‌اند که هم دلبستگی شدیدی به دنیا دارند

و هم ثروت‌اندوز و جاه‌طلب‌اند. اینان رفتارهای مصرفی مترفانه دارند و ماهیت رفتارهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها غیرعادلانه است. براین اساس، جدی

حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم  
است؛ هرچه بیشتر بر گرد خود  
می‌پیچد، راه بیرون شدنش دورتر  
و بسته‌تر می‌شود تا از غصه بمیرد

نگرفتن و عدم اقدام در زمینه مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی، آثار ناگواری از جمله در زمینه رواج مفاسد اقتصاد، گسترش تبعیض و بی‌عدالتی و پیامدهای ناگوار دیگر در پی خواهد داشت و اگر فرد یا جامعه‌ای در دام تجمل‌گرایی گرفتار آید و به فکر گریز از آن نباشد، روز به روز بیشتر در منجلاب فرومی‌رود و در گودال‌های تباهی غوطه‌ور خواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است؛ هرچه بیشتر بر گیرد خود می‌پیچد، راه بیرون شدنش دورتر و بسته‌تر می‌شود تا از غصه بمیرد.»<sup>۱</sup>

این کلام امام باقر علیه السلام را می‌توان هم در حیطة فردی و هم در حیطة اجتماعی تفسیر کرد؛ زیرا نتیجه مطرح شده، هم در مورد فرد حریص و هم درباره جامعه زیاده‌خواه مصداق دارد؛ یعنی فرد حریص و زیاده‌طلب، پایانی جز پشیمانی در دنیا و آخرت ندارد؛ همچنین جامعه‌ای که

به افزون طلبی مبتلاست، جامعه‌ای عقب مانده و دور از ارزش‌های انسانی و اسلامی خواهد بود و بی‌شک چنین جامعه‌ای پایانی جز شکست و به دور ماندن از تعالی ندارد.

مقام معظم رهبری در زمینه ارشاد جامعه درباره اشرافی‌گری فرمودند: «شما بدانید که گرایش اشرافی‌گری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با مثال این‌ها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم آن را دفع کند تا این علاج شود.»<sup>۱</sup>

۱. گزیده کتاب آسیب‌شناسی پدیده اشرافی‌گری و مفسد اقتصادی با جستاری در منویات و مطالبات رهبر فرزانه انقلاب، گردآورنده: محمدحسین رضایی، نشر ساطع.



[ دوران پنج‌گانه عمر ]





«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ!»

بدانید! زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی میان شما و افزون طلبی

در اموال و فرزندان است.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه بیان می‌کند: کلمه «لعب» به معنای بازی

نظامداری است که اطفال به منظور رسیدن به غرضی خیالی آن را انجام می‌دهند و کلمه «لهو»

به معنای هر عمل سرگرم‌کننده‌ای است که انسان را از کاری مهم و حیاتی و وظیفه‌ای واجب باز

بدارد و کلمه «زینت» می‌فهماند که مثلاً فلانی به نوعی مخصوص خود را آراسته و چه بسا منظور از

آن وسیله آرایش باشد و «تفاخر» به معنای مباحات کردن به حسب و نسب است و «تکاثر در اموال

و اولاد» به این معنا است که شخصی به دیگری فخر بفروشد که من مال و فرزند بیشتری دارم.



از شیخ بهایی رحمه الله نقل شده است: «این پنج خصلتی که در آیه شریفه ذکر شده، از نظر سنین عمر آدمی و مراحل حیاتش مترتب بر یکدیگرند؛ چون تا کودک است حریص در لعب و بازی است و همین که به حد بلوغ می‌رسد و استخوان بندی‌اش محکم می‌شود علاقه مند به لهو و سرگرمی‌ها می‌شود و پس از آن که بلوغش به حد نهایت رسید، به آرایش خود و زندگی‌اش می‌پردازد و همواره به فکر این است که لباس فاخری تهیه کند، مرکب جالب توجهی سوار شود، منزل زیبایی بسازد و همواره به زیبایی و آرایش خود پردازد و بعد از این سنین به حد کهولت می‌رسد آن وقت است که [دیگر به این‌گونه امور توجهی نمی‌کند و برایش قانع‌کننده نیست، بلکه] بیشتر به فکر تفاخر به حسب و نسب می‌افتد و چون سالخورده شد همه کوشش و تلاشش در بیشتر کردن مال و اولاد صرف می‌شود.»<sup>۱</sup>

## «مُتْرَفِينَ» در صف اول

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»؛<sup>۱</sup> ما هرگز در هیچ شهر و دیاری انذارکننده‌ای نفرستادیم مگر این‌که مترفین می‌گفتند ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم و آنچه نامش را پیام الهی می‌نهیید قبول نداریم.

«نذیر» به معنی بیم‌دهنده، اشاره به پیامبران الهی است که مردم را از عذاب الهی در برابر کج‌روی‌ها و بیدادگری‌ها و گناه و فساد بیم می‌دادند. «مُتْرَفُوهَا» جمع «مُتْرَف» از ماده «تَرَف» (بروزن طرف) به معنی تنعم است و «مُتْرَف» به کسی می‌گویند که فزونی نعمت و زندگی مرفّه، او را مست و مغرور و غافل کرده و به طغیان‌گری واداشته است.<sup>۲</sup>

معمولاً کسانی که در صف اول مخالفان انبیا بودند، گروه مترف طغیانگر غافل بودند؛

۱. سبأ: ۳۴.

۲. لسان العرب، جلد ۹، ص ۱۷.

چون تعلیمات انبیا را، از یک سو مزاحم کامجویی و هوسرانی خود می‌دیدند و از سوی دیگر این تعلیمات را مدافع حقوق محرومانی که با غصب حقوق آن‌ها به این زندگی پرزرق و برق رسیده بودند، ملاحظه می‌کردند و از سوی سوم، آن‌ها همیشه برای پاسداری مال و ثروت‌شان قدرت حکومت را یدک می‌کشیدند و پیامبران را در تمام این جهات در نقطه مقابل خود می‌دیدند، لذا فوراً به مبارزه برمی‌خاستند<sup>۱</sup> و اگر در آیه مورد بحث این کلام را تنها از توانگران اهل قریه‌ها نقل کرده، برای این است که اشاره کرده باشد به این که طبع تنعم و نازپروردگی، این است که وادار می‌کند انسان از بار سنگین تحقیق‌شانه خالی نموده، دست به دامن تقلید شود.<sup>۲</sup>

این موضوع، مسئله مهمی است که قرآن در آیات مختلف از آن پرده برداشته که غالباً محرومان، نخستین کسانی بودند که دعوت انبیا را الیک می‌گفتند و متنعمین مغرور، اولین

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۰۶.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۳۸.

گروهی بودند که عَلَم مخالفت برمی داشتند. در آیات ۲۳ زخرف، ۱۱۶ سوره هود و ۳۳ سوره مؤمنون نیز همین معنی آمده است.<sup>۱</sup>



[ عوامل پیدایش تجمّل‌گرایی ]



از مهم‌ترین مسائل هر بحث، تجزیه و تحلیل دقیق موضوع به منظور یافتن ریشه‌ها و عوامل پیدایش آن است. درباره موضوع تجمل‌گرایی نیز باید ریشه‌های پیدایش آن را بشناسیم تا برای پیشگیری و درمان آن، موفق‌تر عمل کنیم.

### یکم: دنیادوستی و اصالت قائل شدن برای دنیا

از نظر علوم مختلف، انسان‌ها در رفتارشان تابع بینش‌ها و نگرش‌های خود هستند و خداوند نیز همین معنا را در آیات قرآنی بارها بیان کرده است. در برخی از آیات قرآنی برای تحلیل و تبیین گرایش به تجملات، به بینش‌ها و نگرش‌های گروهی از انسان‌ها توجه می‌دهد و ما را با این قانون آشنا می‌سازد که چگونه رفتارهای انسانی، متأثر از بینش‌ها و نگرش‌های درست و نادرست آنان است؛ از جمله در آیه ۲۹ سوره نجم، درباره علت گرایش انسان به زندگی دنیا و فراموشی زندگی اخروی و تلاش برای آن، بیان می‌کند:

«فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدِ إِلَّا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا»؛ بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده‌اند و جز زندگی دنیا را نخواستند، روی بگردان.

یعنی هرگاه انسانی از نظربینش و نگرش، به خطا رود و به دنیا اصالت دهد یا خدا را نشناسد یا خدا را فراموش کرده باشد و برای دنیا، هدف و حکمتی قائل نباشد، دنیا برای او اصالت می‌یابد و زندگی دنیوی جایگزین همه چیز او می‌شود؛ بنابراین می‌کوشد خود را در دنیا ارضا و خشنود کند و سعادت را در زندگی دنیوی و کمالات آن بجوید و این‌گونه است که تجمل‌گرایی برای او اصالت می‌یابد تا این چنین سعادت را معنا کند. انسانی که دنیا برای او اصالت می‌یابد، فخرو بزرگی را نیز در امور مادی از جمله تجملات دنیوی می‌داند؛ این افراد با مال و ثروت به دیگران مباحثات می‌کنند.<sup>۱</sup>



در پاره‌ای از روایت‌ها، «حب دنیا»، به عنوان منشأ حرص و افزون‌طلبی در انسان مطرح شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من لهج قلبه بحب الدنيا التاط قلبه منها بثلاث، هم لا یغیبه و حرص لا یترکه و أمل لا یدرکه؛<sup>۱</sup> کسی که قلب او با دنیاپرستی پیوند خورد، همواره جان‌ش گرفتار سه مشکل است: اندوهی رهانشدنی، حرصی جدانشدنی و آرزوی نایافتنی».

دوستی دنیا، سبب غفلت انسان می‌شود و او تنها می‌کوشد به رفاه بیشتری دست یابد؛ از سوی دیگر، چون مال و ثروت از مظاهر فریبنده دنیا است، انسان دوستدار دنیا برای رسیدن به خوشی‌های دنیا، پیوسته در تلاش و تکاپو است و هرچه این حرکت او گسترش پیدا کند، حرص و تمایل او به تجمل‌گرایی نیز شدت خواهد یافت. پس انسانی که دوستی دنیا در قلب او جای گرفته و دنیاپرست شده، همواره در پی آرزوهای طولانی خویش است و

۱. نهج البلاغه، ص ۶۷۶، حکمت ۲۲۸.

همان گونه که در حدیث بالا اشاره شد، اندوهی رها نشدنی گریبانگیرش می شود و حرص بر او چیره خواهد شد.<sup>۱</sup>

### دوم: تغییر ارزش ها در جامعه

یکی از نیازهایی که خداوند بزرگ در نهاد و فطرت انسان ها قرار داده، نیاز به احترام است. نیاز به احترام سبب می شود انسان ها از توهین و توییح، ناراحت شوند و از تشویق و تمجید، خوشحال گردند.<sup>۲</sup>

نیاز به احترام، براساس مقیاس های ارزشی موجود در جامعه برآورده می شود؛ بنابراین، اگر ارزش های یک جامعه از جنبه مادی به جنبه های معنوی تغییر کند، انسان ها برای جلب احترام، به آن سو می روند؛ اگر هم ارزش ها به سوی مادیات تغییر کند، به همان گونه، انسان ها

۱. رشیدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸.

۲. رفیع پور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۸.

نیاز به تأیید و احترام خود را، در کالاهای مادی و تجملات جست‌وجو می‌کنند.<sup>۱</sup> در چنین جامعه‌ای، که ملاک‌های ارزشی، مادی شده باشند، ثروت، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری ارزشمند خواهد شد.

بنابراین، پدیده «بالرزش شدن ثروت و تجمل‌گرایی» از نیاز به احترام، در جامعه‌ای که مقیاس‌های ارزشی آن به سمت مادیات تغییر یافته باشد، سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی تأثیر نمایش یا خودنمایی بر اساس ابزار ظاهری ثروت (اتومبیل، لباس، وسایل منزل و...) ابتدا از قشر بالا و ثروتمند شروع می‌شود. در مرحله بعد، به قشر متوسط سرایت می‌کند. با پیروی قشر متوسط از ارزش‌های مادی قشر بالا، حرکت هنجاری و همه‌گیر مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، قشر پایین را نیز فرامی‌گیرد و آن‌ها نیز از قشر بالا تقلید می‌کنند؛ به این

ترتیب، مقیاس‌های ارزشی و مادی قشر بالا، برای اکثریت به یک ارزش هنجار شده اجتماعی تبدیل می‌گردد.<sup>۱</sup>

### سوم: تجمل‌گرایی حاکمان و مدیران

مدیران، مسئولان و سیاستمداران به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در اجتماع دارند، می‌توانند الگویی برای افراد جامعه باشند؛ بنابراین، اگر آن‌ها به سمت اشرافی زیستن و مسابقه در تجملات حرکت کنند و وظیفه خود را - که همانا خدمت‌رسانی به مردم است - به خوبی انجام ندهند، اشرافی‌گری، افزون‌طلبی و تجمل‌پرستی به صورت هنجار درمی‌آید و از سطح زندگی سیاستمداران به طبقات پایین‌تر جامعه رسوخ خواهد کرد؛ بنابراین، فساد «حاکمان و مدیران جامعه» به سبب تأثیرگذاری ویژه‌ای که در جامعه دارند، می‌تواند جامعه را به فساد بکشاند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند تمام امت اصلاح می‌شوند و اگر فاسد شوند، تمام امت فاسد می‌شوند. پرسیدند: ای رسول خدا! آن دو گروه چه کسانی هستند؟ پیامبر پاسخ داد: فقها و امیران.»<sup>۱</sup>

همچنین جمله معروف «الناس علی دین ملوکهم؛ مردم بر دین و آیین حاکمان خود هستند»، مبین پیروی و الگوگیری رعیت از حاکمان و مدیران است. به این ترتیب، گفتار و رفتار مردان سیاسی و حاکمان و مدیران، می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز افزون‌طلبی و اشرافی‌گرایی در جامعه باشد؛ یعنی فساد حاکمان و مدیران و رویکرد دنیاپرستی و تجمل‌پرستی در آن‌ها، جامعه را به فساد و افزون‌طلبی دچار می‌سازد.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۳۶.

۲. رشیدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می‌بینید فلان خانواده‌ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می‌خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی‌گری فرهنگ شد، می‌شود این. جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که می‌دهند، باید ضدّ این جهت اشرافی‌گری باشد؛ کما این که اسلام این جوری است.»<sup>۱</sup>



[ پیامدهای تجمل‌گرایی ]

تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری از آفت‌های اخلاقی در انسان و جامعه اسلامی به شمار می‌رود و یکی از پدیده‌های نابهنجار اجتماعی است. هرچند نمی‌توان آن را یک رذیلت اخلاقی دانست، باید اذعان کرد که آثار آن از یک رذیلت اخلاقی در روحیه فرد و جامعه، کمتر نیست؛ براین اساس، اکنون برخی از پیامدهای تجمل‌گرایی را بیان می‌کنم:

### پیامد اول: غفلت از یاد خداوند

بزرگ‌ترین آفت تجمل‌گرایی و زیاده‌خواهی در انسان، غفلت از یاد خداوند است. قرآن می‌فرماید:

«أَلْهَنَكُمْ التَّكَاثُرُ ﴿۱﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛<sup>۱</sup> مسابقه و مفاخره در داشتن مال و نفرت بیشتر، شما را از سعادت واقعی خودتان، به خود مشغول کرد تا آن‌جا که برای شمردن نیاکان خود به قبرستان رفتید.

۱. تکاثر: ۲۱.





صاحب مفردات درباره کلمه «لهو» می‌گوید: لهو به معنای هر کار بیهوده و بی‌ارزش است که آدمی را از کار مهم و پرازش بازدارد. وقتی می‌گویند: «الهاء»، «کذا».<sup>۱</sup> معنایش این است که آن کار بیهوده، وی را به خود مشغول کرد و او را از کاری مهم‌تر بازداشت. خداوند می‌فرماید: «الهاکم التکاثر». علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌های یادشده، می‌گوید: «بنابر آنچه به کمک سیاق فهمیده می‌شود، معنای آیه این است که تکاثر و مفاخرت شما، در داشتن مال و زینت دنیا و مسابقه گذاشتن در جمع عده و عده، شما را از آنچه واجب بود، بازداشت و آن عبارت بود از ذکر و یاد خداوند؛ در نتیجه، عمری را به غفلت گذراندید تا مرگ‌تان فرارسید».<sup>۲</sup>

بنابراین، از نظر اسلام، استفاده معقول از نعمت‌های الهی، مطلوب و مورد تأکید است؛ در مقابل، افراط و زیاده‌روی در زیباسازی و هدف شمردن رفاه و آسایش در زندگی و در پی

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۸ و ۴۵۹.

۲. طباطبایی، ، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۶۸.



آن خوش گذرانی و عیاشی بی حد و مرز، نکوهش می شود؛ چون پیامدهای فردی و اجتماعی نامطلوبی در پی خواهد داشت. در چنین وضعی، افراد جامعه از یاد خداوند غافل و اسیر مظاهر دنیا می شوند؛ در نتیجه، به جای شکرگزاری و استفاده معقول از نعمت‌ها، روحیه لذت طلبی، رفاه زدگی و افزون طلبی در آن‌ها اوج می گیرد تا جایی که به موارد مشروع بسنده نمی کنند و به طغیان و سرکشی می پردازند.<sup>۱</sup>

### پیامد دوم: ابتلا به غم بی پایان

انسان حریص و تجمل گرا، به سبب حرص و ولع شدید در جمع آوری مال، دچار غم بی پایان خواهد بود. امام باقر علیه السلام می فرماید: حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است، هرچه بیشتر بر گرد خود می پیچد، راه بیرون شدنش دورتر و بسته تر می شود تا از غصه بمیرد.<sup>۲</sup>

۱. خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۰.

این حدیث با تشبیه حریص بر دنیا به کرم ابریشمی که به دور خود می تند و لحظه به لحظه راه بیرون رفتن خود را تنگ تر می کند، گویای این حقیقت است که اگر فرد حریص به فکر درمان خود نباشد، گام به گام به مرگ روحی خود نزدیک تر می شود. فرد تجمل گرا در غم رسیدن به مال بیشتر روزگار می گذراند و این غم تا پایان عمر همراه او خواهد بود و آسایش را از او سلب خواهد کرد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «محرومیت های حریص، دو خصلت است و لازمه آن هم دو ویژگی دیگر است؛ محرومیت از قناعت که آرامش و راحتی را از دست می دهد و محرومیت از رضا که یقین را از دست می دهد.»<sup>۱</sup>

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «ليس الغني في كثرة العرض، إنما الغني، غني النفس»؛ بی نیازی به فراوانی ثروت نیست، بلکه بی نیازی تنها در روحیه بی نیازی است؛<sup>۲</sup> یعنی روحیه و احساس

۱. همان.

۲. نمازی، ج ۸، ص ۲۵.

بی‌نیازی، امری ذهنی است، نه عینی که چنین حالتی تنها با قناعت - که نقطه مقابل حرص است - به دست می‌آید؛ بنابراین، فعالیت و تلاش برای برآوردن نیاز، یک سراب است که انسان هرچه به سوی آن بدود، به آن نمی‌رسد.<sup>۱</sup> این سراب و چنین غایتی می‌تواند انسان را در تمام مدت عمرش به خود مشغول سازد و آرامش را از وی سلب کند؛ در نتیجه، هم در دنیا غمی بی‌پایان دامنگیرش می‌شود و هم در آخرت، توشه‌ای نخواهد داشت و «لفی خسر»<sup>۲</sup> خواهد بود.

**پیامد سوم: افتادن در پرتگاه گناه**

فرد حریص و زیاده‌خواه، به سبب حرص در گردآوری هرچه بیشتر مال و اشرافی‌گری، حاضر است به هر کار دست بزند و از هراه ممکن، ثروت خود را افزایش دهد. طبیعی است چنین فردی رفته‌رفته در گناه و نافرمانی خداوند غوطه‌ور خواهد شد.

۱. رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۵۲.

۲. این تعبیر از آیه ۲ سوره عصر گرفته شده است.

امام علی علیه السلام می فرماید: «الْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ»؛ حرص و ورزی، خودبزرگ بینی و حسادت، عوامل بی پروایی در گناهان هستند.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام خطر حرص را بسیار جدی و سرنوشت سازی می داند تا جایی که آن را از اصول و پایه کفر برمی شمارد و می فرماید: «أصول الكفر ثلاثة: الحرص والاستكبار والحسد»؛ حرص، خودبزرگ بینی و حسد، از اصول و پایه های کفر هستند.<sup>۲</sup>

فرد حریص و افزون طلب، تنها به افزایش ثروت و وسایل تجمل و اشرافی گری خود می اندیشد، هرچند از راه درآمد غیر مشروع و حرام باشد؛ در نتیجه، ثروت و مال اندوزی باعث می شود چشم و گوش او نسبت به حقایق بسته شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حَبُّ الشَّيْءِ

۱. نهج البلاغه، ص ۷۱۸، حکمت ۳۷۱.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۳۹.

یعمی و یصم؛ دوست داشتن یک چیز، انسان را کرو کور می‌کند.<sup>۱</sup>  
 دنیا دوستی و پول پرستی، چشم حریص را کور می‌کند و وی را به پرتگاه گناه می‌افکند؛  
 به گونه‌ای که ممکن است تا مرز کفر پیش برود. چنین فردی، انسانی مسخ شده است که از  
 هویت انسانی خود دور افتاده و از دستیابی به سعادت و قرب الهی - که هدف آفرینش انسان  
 است - بازمی‌ماند.

از طرف دیگر، نتیجه پدیده افزون طلبی و اشرافی‌گری در جامعه، کم‌رنگ شدن معنویاتی  
 همچون: ایثارگری، گذشت، انفاق، همیاری، تعاون، دستگیری از نیازمندان و قناعت خواهد  
 شد؛ در نتیجه، فساد، انحراف‌های اجتماعی، تجاوز به حقوق دیگران و استثمار و همچنین  
 گرایش به سودجویی و سودپرستی، ترک نیکوکاری، ترک صلح و رحمت و ترک تعهد و مسئولیت‌های

## پيامد چهارم: به وجود آمدن نابرابری اقتصادی در جامعه

اجتماعی، در جامعه رواج پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

اشرفی‌گری و افراط در برآوردن نیازهای مادی سبب می‌شود ثروت در دست یک عده خاص قرار گیرد و روزبه‌روز بیشتر شود. این حالت، تعدیل جامعه را -که از اصول مسلم اسلامی است- برهم خواهد زد؛ به عبارت دیگر، اگر افراد سرمایه‌دار و ثروتمند جامعه دچار افزون‌طلبی شوند، حاضر نخواهند بود واجبات مالی و انفاق‌های مستحبی خود را بپردازند؛ در نتیجه، ثروت آن‌ها به صورت تصاعدی افزایش خواهد یافت؛ از سوی دیگر، طبقه ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه نیز روزبه‌روز ضعیف‌تر و فقیرتر خواهد شد و به این ترتیب با افزون‌طلبی برخی گروه‌های اجتماعی، تعادل و توازن توزیع ثروت در جامعه برهم خواهد ریخت.<sup>۲</sup>

۱. رشیدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳.

۲. همان.

## پیامد پنجم: ایجاد زمینه وابستگی و سلطه بیگانگان

یکی از پیامدهای افزون طلبی، وابستگی اقتصادی است. تجمل گرایی و اشرافی گری سبب می شود جامعه، احساس وابستگی و حقارت داشته باشد و در روابط سیاسی و بین المللی ضعیف باشد. چنین جامعه ای حاضر است برای منافع اقتصادی خود، از برخی ارزش های دینی چشم پوشی کند، در حالی که چنین وضعیتی برای یک جامعه اسلامی پذیرفته نیست. قرآن می فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيًّا﴾<sup>۱</sup> و خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلط باز نخواهد کرد.

بر اساس این آیه، هر امری که سبب سلطه بیگانگان و کافران بر اهل ایمان شود، از سوی



شرع مقدس اسلام ممنوع و حرام اعلام شده است؛ بنابراین، اگر افزون طلبی در جامعه در نهایت، به سلطه کفار بینجامد، پدیده‌ای نامطلوب است که باید با هر وسیله و از هر راه ممکن از پیدایش و رشد آن در جامعه جلوگیری شود و اگر به دلایلی در جامعه رواج یافت، باید برای درمان آن بکوشیم.<sup>۱</sup>



[ راهکارهای مقابله با تجمل‌گرایی ]

## راهکار اول: گسترش فرهنگ اعتقاد به رزق مقسوم

اساسی‌ترین گام در رفع تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری در جامعه این است که خداوند را روزی دهنده بدانیم و روزی را فقط از او بخواهیم. خداوند می‌فرماید:

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»<sup>۱</sup>، هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر این که

روزی او بر خداست.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «قول خداوند که می‌فرماید: «إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»

بروجوب رزق بر خداوند دلالت می‌کند و بارها در قرآن آمده است که رزق، از افعال مختص

خداوند است و این که آن حقی برای خلق نسبت به خداوند است.»<sup>۲</sup> انسان با اندیشیدن در

این آیه باید به این یقین برسد که خداوند هرگز مخلوقی را بدون روزی نمی‌گذارد و رزق او هم

۱. هود: ۶.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۲۳۹.

مانند همه آفریده‌ها، برعهده خداوند است و خداوند روزی همه جنبندگان روی زمین را تضمین کرده است.

قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌آورد و او را از جایی که گمان ندارد و به حساب نمی‌آورد، روزی می‌دهد. در تفسیر المیزان در شرح این آیه آمده است: «هر کس از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد و حدود او را نشکند و حرمت شریعتش را هتک ننموده، به آن عمل کند، خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌آورد و از همسر و مال و هر چیز دیگر که مایه خوشی زندگی او و پاکی حیاتش باشد، از راهی که او هم احتمالش را ندهد و توقعش را نداشته باشد، روزی می‌فرماید. پس مؤمن این ترس را

به خود راه ندهد که اگر از خدا بترسد و حدود او را محترم بشمارد و به این جهت از آن محرمات کام نگیرد، زندگی اش تأمین نشده و به تنگی معیشت دچار گردد. نه، این طور نیست. برای این که رزق از ناحیه خدای تعالی ضمانت شده و خدا قادر است که از عهده ضمانت خود برآید.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام در پرسش تأمل برانگیزی می فرماید: «إن كان الرزق مقسوما فالحرص لماذا؛ اگر رزق قسمت شده است، پس حرص ورزی برای چیست؟»؛<sup>۲</sup> یعنی اگر انسان معتقد باشد که رزق هرکس مشخص است و هیچ کس بدون روزی رها نشده است، به حرص ورزی، افزون طلبی و زیاده خواهی در گردآوری مال و تجمل گرایی مبتلا نخواهد شد. با توجه به این حدیث، هرکس رزق مقسوم و معینی دارد که خداوند آن را حق طبیعی او قرار داده است. اگر به آن دست نیافت

۱. همان، ج ۳۸، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۶۰.

یا خود کوتاهی کرده است یا دیگران او را از حقیقت محروم ساخته‌اند.<sup>۱</sup>

انسان مؤمن و متوکل به خداوند براساس نظام حکیمانه - که برای هر چیز اسباب خاص خودش را قرار داده است - به دنبال کسب و کار می‌رود تا روزی خود را تأمین کند؛ البته این اسباب و ابزار، مایه آرامش و اطمینان و تکیه‌گاه اصلی او نیستند، بلکه تکیه‌گاه اصلی او توجه اصلی او به خداوند است که همه عالم در ید قدرت او است. چنین انسانی ورای همه این ظواهر، دست خدا را می‌بیند و می‌داند که او متکفل روزی مخلوقات خود و کارساز واقعی است؛ بنابراین، کار و تلاش خود را صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به رزق الهی می‌داند و در نتیجه، دچار حرص و افزون‌طلبی نخواهد شد.<sup>۲</sup>

با گسترش فرهنگ اعتقاد به رزق مقسوم و توکل بر خداوند در جامعه، زمینه حرکت‌های

۱. خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱.

۲. رشیدی، ۱۳۸۴، ص ۳۸.

ناسالم اقتصادی همانند احتکار، گران فروشی، حبس کردن ثروت و راكد گذاشتن سرمایه‌ها-که همه ریشه در حرص و تجمل‌گرایی و افزون‌طلبی دارد- از میان خواهد رفت؛ زیرا افراد باایمان می‌دانند رزق و روزی حلال و مقدر الهی با حرص و ولع افزایش نمی‌یابد.<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حرص و ورزیدن شخص حریص عامل جلب رزق نیست و بد آمدن و ناخوشایندی شخص نیز باعث رد رزق نمی‌شود.»<sup>۴</sup>

### راهکار دوم: تبدیل شدن قناعت‌پیشگی، به هنجار و ارزش اجتماعی

ضد اشرافی‌گری و زیاده‌خواهی، قناعت است. قناعت در المفردات، این‌گونه تعریف شده است: «القناعة الاجتزاء بالیسیر من الاعراض المحتاج الیها». قناعت اکتفا به مقدار کم از آن

۳. خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

کالاهایی است که انسان، به آن‌ها محتاج است.<sup>۱</sup> از نظر اصطلاحی، قناعت، ملکه‌ای است برای نفس که سبب اکتفا کردن از مال، به اندازه ضرورت است؛ بدون این که در طلب زیادتر از آن سعی کند و خود را به رنج افکند.

یکی از راه‌های عملی دفع تجمل‌گرایی، قناعت‌پیشگی است؛ یعنی انسان، قناعت و اکتفا را در خود تقویت و از حرص و ورزی در گردآوری مال، خودداری کند. امام باقر علیه السلام فرمود: «ادْفَع عَظِيمَ الْحِرْصِ بِإِثَارِ الْقِنَاعَةِ؛ حرص شدید را با به کار بستن قناعت از بین ببر.»<sup>۲</sup>

افراد یک جامعه، می‌توانند با رعایت زهد و قناعت، مصارف غیرلازم را در خوراک، پوشاک، مسکن و وسایل زندگی کاهش دهند و از خرید کالاهای لوکس و تجملی و هزینه برای ساختمان‌های مجلل خودداری کنند. این روش، امکان صرف سرمایه‌های اضافی را در امور

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۶۲.



تولیدی و زیربنایی فراهم ساخته، نه تنها سطح اشتغال را در جامعه بالا می‌برد و بیکاری، فقر و محرومیت عده زیادی را حل می‌کند، بلکه درآمد و ثروت را در جامعه به صورت عادلانه توزیع می‌کند.<sup>۳</sup>

### لزوم پیشتازی حاکمان و مدیران در هنجارسازی

برای درمان افزون‌طلبی و اشرافی‌گری، به هنجارسازی نیاز داریم؛ یعنی همان‌گونه که افزون‌طلبی در پی باارزش شدن ثروت در جامعه به صورت هنجار درآمده است، نهادها و شخصیت‌های فرهنگی مؤثر باید این نظام فرهنگی را در هم بشکنند و جامعه را به سمت ارزش‌های معنوی و قناعت‌پیشگی بکشانند. اگر مسئولان فرهنگی جامعه در این امر، یعنی تبدیل قناعت به یک ارزش فردی و اجتماعی توفیق یابند، آن هنگام قناعت‌پیشگی به صورت

۳. خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵.

هنجار درمی‌آید و از سوی افراد جامعه پذیرفته خواهد شد. طبیعی است که در پی این نظام ارزشی جدید، جامعه از پرتگاه افزون‌طلبی و در نهایت نابودی نجات خواهد یافت.<sup>۱</sup>

### فرایند تبدیل یک ارزش به هنجار اجتماعی

فرایند تبدیل یک ارزش به یک هنجار اجتماعی، مراحل ویژه خودش را دارد؛ یعنی فرایند انتشار و تبدیل یک پدیده به هنجار، طبعاً بی‌درنگ انجام نمی‌گیرد. اعضای جامعه نسبت به پدیده‌های جدید، واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهند؛ بنابراین، لازم است اعضای جامعه و واکنش‌های گوناگون آن‌ها را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کنیم. برای جایگزین کردن ارزش‌های معنوی به جای ارزش‌های مادی در جامعه و نهادینه کردن آن‌ها، باید مراحل ویژه‌ای را پشت سر گذاشت. این فرهنگ‌سازی، ابتدا باید از خود مسئولان آغاز شود، به گونه‌ای

که مردم جامعه، عملاً این ارزش‌های معنوی و دوری از تجملات را، در زندگی آنان ببینند. پس از این، نوبت به افراد جامعه می‌رسد. در این مرحله، شخصیت و نهادهای متولی امور فرهنگی جامعه، که خود پیراسته از افزون‌طلبی هستند، با برنامه‌ها و امکانات گوناگون فرهنگی، از جمله: رادیو، تلویزیون، مجلات، تبلیغات، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در این جهت می‌توانند فرهنگ و روح قناعت را به جامعه معرفی کنند. آن‌گاه جامعه را از ارزش آن، آگاه سازند و نظر آن‌ها را درباره این موضوع جلب کنند تا مردم نیز پس از ارزیابی و آزمایش و تطبیق آن با دیگر اصول دینی و اعتقادی خود، رفته‌رفته و در فرایندی که برای تبدیل یک ارزش به هنجار اجتماعی بیان شد، آن را بپذیرند.<sup>۱</sup>

## راهکار سوم: برقراری عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت

بهترین و مؤثرترین راه حل اقتصادی مقابله با تجمل‌گرایی و افزون‌طلبی، حذف نابرابری اقتصادی از نظام اقتصادی جامعه، با درپیش‌گرفتن سیاست‌های درست اقتصادی برای تعدیل ثروت و تأمین حداقل معیشت و رفاه برای همه قشرهای جامعه است. دستگاه‌های اقتصادی باید با بررسی دلایل رواج نابرابری اقتصادی در جامعه، برای رفع آن بکوشند و دستگاه قضایی نیز بایست با مسبب‌ین آن به شدت و بدون ملاحظه برخورد کند.

نابرابری اقتصادی و توزیع ناعادلانه و نامتوازن ثروت میان قشرهای گوناگون جامعه، یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش حرص و افزون‌طلبی در جامعه است؛ بنابراین، درمان اقتصادی اشرافی‌گری و افزون‌طلبی، تعدیل ثروت خواهد بود. عدالت اقتصادی، که لازمه آن توزیع عادلانه ثروت است، از مهم‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود؛ یعنی اگر این اصل

کلیدی و اساسی در جامعه برقرار نشود، بسیاری از مناسبات اجتماعی و اقتصادی افراد، مختل و به انحراف کشیده خواهد شد. پس لازم است عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت از نظر اسلام را به درستی بشناسیم و برای برقراری آن در جامعه تلاش کنیم.<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند.»<sup>۲</sup>

همچنین فرمودند: «فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاغول عدالت باشد.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۴۳.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۰۶/۰۴. [farsi.khamenei.ir](http://farsi.khamenei.ir).

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴. [farsi.khamenei.ir](http://farsi.khamenei.ir).



- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، لبنان، بی تا.
- حرعاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۲، ج ۱۶، ۱۴۱۴ق.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ش.
- رضایی، محمد حسین، آسیب شناسی پدیده اشرافی گری و مفاسد اقتصادی با جستاری در منویات و مطالبات رهبر فرزانه انقلاب، نشر ساطع، بی تا.
- رشیدی، مهدی، افزون طلبی و راه های تعدیل ثروت در اسلام، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۸۴ش.

- روزنامه کیهان، شماره ۹۹۰۰۲ به تاریخ ۰۹/۹/۷۲، ص ۶.
- رفیع پور، فرامرز، **آناتومی جامعه**، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ ش.
- رفیع پور، فرامرز، **توسعه و تضاد**، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، دار الشامیه، بیروت، لبنان، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات محمدی، ج ۳، ج ۴، ۱۳۶۳ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیة تهران، ۱۳۷۴ ش.

- 
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
  - نمازی، شیخ علی، مستدرک سفینة البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۸، بی تا.
  - <http://farsi.khamenei.ir/>